

اردبیل

حسن سپهرفر

سیروس علی اکبرزاده

زهرا نعمتی هوشیار

استان اردبیل در شمال غربی فلات ایران از شمال به رود ارس، دشت مغان، و بالهارود در جمهوری آذربایجان، از شرق به رشته کوه‌های طالش و بغرو در استان گیلان، از جنوب به رشته کوه‌ها، دره‌ها و جلگه‌های به هم پیوسته استان زنجان و از غرب به استان آذربایجان شرقی محدود است. این استان شش شهرستان، ۱۶ بخش، شش دهستان و ۲۱۹۳ آبادی دارد. شهرستان اردبیل چهار نوع آب و هوای مدیترانه‌ای گرم، مدیترانه‌ای معتدل، کوهستانی سرد و معتدل دارد. شهرستان اردبیل یکی از مناطق سردسیر ایران است و بین پنج تا هشت ماه از سال سرد است. در اردبیل یکی از مهم‌ترین راه‌های درمان بیماری‌ها تجویز انواع داروها (با دو منشأ گیاهی و غیر گیاهی) بوده است. براین اساس، پیش از هر چیز نگاهی به این داروها می‌اندازیم:

داروهای گیاهی به تفکیک نقاط بررسی شده

نام دارو	اردبیل	قیه چمن	گول تپه	آتشگاه	سوغانلو	شندرشامی	چن قشاقی	هیر
گوزبان	×				×			
بومادرن	×	×	×		×			
یارپوز	×	×		×	×			
کهلیگ اتی	×			×	×	×		
سعلب	×	×						
گل خنمی	×		×	×	×	×	×	×
بالدیرفان	×							
گل پینتی	×							

							×	بنوشه
							×	افسنطین
							×	باپانه
						×	×	توهلیجه
							×	قره قاتی
		×		×	×		×	قرل گول کوتوگی
							×	ام کومجی
							×	اولیک
							×	ساری گول
							×	قاپاخلنجا
						×	×	بولاغ اتی
				×				گوهون آلاغی
				×				باغایاریاغی
				×				هوجوآ
							×	داغ نانه سی
							×	شیرین بیان
		×	×				×	هور یاریاغی
							×	قشنگی
			×					یول اتی
			×					سیم اتی
			×					چی اله
			×					چیله داغی
			×					دال ما
			×					قان قورودان
							×	شوورن
				×				چالقی دنه
					×			قوردیوشانی
						×		مریم نخودی
					×			بزوشا
					×			خنه خورت
							×	قارنی یاریخ

جدول نام داروهای غیرگیاهی به تفکیک نقاط بررسی شده

نام دارو	اردبیل	قیه چمن	گول تپه	آتشگاه	سوغانلو	شندرشامی	چن قشاقی	هیر
خاکستر پارچه			×			×		
پیشاب	×							
خاکستر جوجه تیغی		×						
خاکستر پوست مار		×						
ازوای		×						
آجر داغ شده			×					
نفت	×							
آهک	×							
آب پهن				×				
ماست			×					
گریس				×				
کره حیوانی	×							
آب نمک	×							
روغن گنه گرچک	×							
روغن نباتی	×							
روغن ماهی	×							
روغن زیتون	×							
روغن گرچک	×							
روغن گلدیک		×						
زرده تخم مرغ	×							×
پوست بز						×		
شیر خر			×					
خون خرگوش	×		×					
خرما	×							
طحال گوسفند - گاو	×			×		×		
سیرابی	×							
ماهی جویباری								×
شیر گاو								×

×							ادرار اسب
×			×	×			دود سیگار
				×			پیه مرغ
			×		×		روغن داغ ولرم شده
						×	پیه بز
						×	خون کبوتر
					×		نفتالین
				×			آب نمک
						×	دنبه گوسفند
						×	سیریش
×			×	×	×		شیر زن دختر زائیده
		×					جوهر قرمز
		×					شیرخام گاو
						×	کرم خاکی
						×	آب عدس
						×	آب ماش سبز
						×	آب لپه
						×	آب مخزن قلیان
				×	×		صابون
				×			گوگرد

بیماری های روحی در نقاط بررسی شده حوزه پژوهش برای درمان بیماری های نظیر ترس و خیالاتی شدن پیش دعانویس رفته و دعایی برای درمان می گیرند که عموماً نحوه استفاده از آن به شرح زیر است:

معمولاً دعانویس دعا را پس از نوشتن داخل پارچه سبز یا مشکی رنگی قرار داده و تحویل بیمار یا اطرافیان وی می دهد. بیمار مکلف است همیشه آن را همراه خود داشته باشد، یا دعا را با موی گربه و اسپند یا داخل کمی گلاب خیسانده، سپس مقداری از آب آن را ضمن خوردن به شخص کمی هم به بند مفاصل اعضای بدن وی چون: پاهای، روی دستها، روی زانوها، پیشانی می مالیند. اما در روستای گول تپه برای درمان ترس مابین کتف های بیمار را حجامت می کنند. در این میان برای اشخاصی که از فرط بیماری روحی دچار اختلال حواس شده باشند مقداری مومیای را ساییده و به شخص می خوراندند. همچنین در بین مردم عامی برای درمان این گونه بیماری ها شیء فلزی و تیز و برنده ای چون شمشیر یا قمه یا چاقو را بر آب جاری می کشیدند (به اصطلاح آب را می بریدند) تا بلکه بدین نحو بیماری را بهبود دهند.

در روستای آتشگاه هم جویدن سقز و خوردن مقداری لپه و برنج خام از دیگر روش‌های درمان این بیماری است. در روستای جن‌قشلاقی هم روش‌های زیر را انجام می‌دادند.

- بیمار را به اجاق (زیارتگاه)های کوبلا و پرگوش واقع در اطراف همین روستاها می‌بردند.

در روستای سوغانلو برای درمان بیماری روحی به نام ساعات داما (sâât dâmâ) که در بیمار بی‌حالی و کج شدن دهان را نمایان می‌کند، شیوه‌های درمانی زیر را به کار می‌بستند:

- بیمار را زیر داس بزرگی به نام درگز یا سوراخ دیوار یا غربال عبور می‌دهند.

- بزغاله‌ای را سربریده بدون اینکه پوستش را جدا کنند آن را از وسط به دو نیم می‌کنند. سپس هر نیم را از طرفین در می‌آویزند، آن‌گاه بیمار را از میان آن عبور می‌دهند.

- مقداری دل خام بزغاله را به بیمار خورانده و مابقی را به پشت‌بام می‌اندازند تا ال توخونان (toxunân) آن را با خود ببرد.

- وسط قرص نانی را درآورده و کودک را از میان آن عبور می‌دهند.

- در روستای گول‌تپه از مقابل هفت در منزل مقداری خاک برداشته و آن را با اسپند دود کرده و کودک را در مقابل دود متصاعد شده از آن می‌گیرند. یا بند هفت دست تنبان را سوزانده و بیمار کودک را در مقابل دود حاصل از آن می‌گرفتند.

- پشت و سر آستین‌های پیراهن خود بیمار را سوزانده و وی را در مقابل دود آن قرار می‌دهند.

- باور داشتند اگر آسیبی را در مقابل منزل بیمار به شیشه وادارند منجر به بهبودی او خواهند شد.

- خوردن دم‌کرده گل‌گاوزبان به بیمار از دیگر روش‌های درمان بیماری‌های روحی است.

- الک انداختن یکی از شیوه‌های درمان بیماری‌های روحی در شهر اردبیل آلیه سالدرما (alih sâldirmâ) است. در میان مردم شهر اردبیل عقیده بر این است که اگر فردی در واپسین لحظات غروب آفتاب دچار ناراحتی روحی شده یا به عبارتی حالش گرفته شده و دلشوره داشته باشد، احتمال می‌دهند روح مرده‌ای او را تسخیر کرده است. بنابراین، برای درمان بیمار نزد فردی خبره در این کار می‌رود. با این مهم که همراه خود نیز باید کمی نمک و زغال و تکه‌ای نان ببرد. درمان‌گر (الیک سالان) با بستن تکه‌ای نخ به دسته یک قاشق چوبی حرکات پاندولی به آن می‌دهد، همزمان با انجام این عمل نام مردگان و اموات شخص بیمار را هم بر زبان می‌آورد. موقعی که قاشق به اسم یکی از مردگان از حرکت باز ایستد درمانگر اظهار می‌کند چشم مرده دنبال مثلاً نمک یا نان این منزل سوره، حلوا و... است. لذا فرد بیمار باید در غذایی که می‌پزد مقداری نمک ریخته و آن را روی زغال و آتش خود پخت کند. یا برای مرده سوره و... بخواند.

بیماری‌های جسمی

سردرد در شهر اردبیل برای درمان سردرد روش‌های زیر معمول بوده است.

- پوست ترب سیاه و کلم قمری را کنده و روی پیشانی و شقیقه‌های بیمار قرار می‌دادند، یا دم‌کرده مقداری زنجبیل را به بیمار می‌دهند. در مواردی نیز املاح زنجبیل را با دستمالی به پیشانی می‌بستند.

- همچنین زنجبیل را همراه با تکه‌ای از کوزه شکسته و کمی آب بر هم ساییده، مایع به دست آمده را به پیشانی می‌مالند. کوپ انداختن بادکش از روی پیشانی از دیگر روش‌های درمان سردرد در شهر اردبیل و روستای سوغانلو است.
- یکی از روش‌های دیگر درمان بستن دور سر با دستمال خیس است.
 - خاک دیوار کاه‌گلی را همراه با مقداری نمک خیس کرده و روی شقیقه‌های شخص قرار می‌دهند.
 - در روستای قیه چمن برای درمان سردرد بر پیشانی مقداری پیاز خام می‌بندند.
 - در روستای گل‌تپه هم گیاه شاه‌تره و حنا را با هم ترکیب کرده، بر سر بیمار می‌بندند یا شخص باید خود را در مقابل بخور گیاه کهلیک اتی (kahlik ote) قرار دهد.
 - در روستای آتسگاه هم برای درمان سردرد مقداری از خزه روی سنگ‌ها را با حنا ترکیب کرده و بر پیشانی شخص می‌مالند. همچنین تخم گشنیز را جوشانده با ترکیب مقداری حنا بر سر شخص قرار می‌دهند.
 - در روستای سوغانلو نیز برای درمان سردرد مقداری زنجبیل را به سنگ صاف مالیده، سپس با دستمال به پیشانی بیمار می‌بندند. یا مقداری از خاک کف اتاق را با آب خیس کرده و به گیجگاه و روی پیشانی بیمار می‌بستند. همچنین حجامت کردن از پیشانی برای بهبودی سردرد در روستاهای سوغانلو و قیه چمن از دیگر روش‌های معمول درمان است.
- چشم‌درد** را در روستاهای گل‌تپه، آتسگاه، سوغانلو، قیه‌چمن، شندرشامی، هیر، و شهر اردبیل به روش‌های زیر درمان می‌کردند.
- چشم را با چای تازه دم کرده که از صافی عبور داده‌اند شست‌وشو می‌دهند.
 - مقداری از گل‌های ختمی را با شیر سینه زن دخترزاییده خیسانده، سپس این مرهم را روی چشم قرار می‌دهند.
 - در بخش هیر برای درمان درد چشم مقداری زرده تخم‌مرغ به چشم می‌بندند.
 - در روستای شندرشامی برای چشم‌درد مقداری جوهر قرمز به چشم می‌ریختند.
 - در روستای سوغانلو هم برای درمان چشم‌درد گیاهی به نام هو یاریاگی (hava yârpâyi) را با شیر گاو مخلوط کرده و روی چشم بیمار می‌گذارند.
- سیاه‌سرفه یا گواُسگوزک (go ösgurak):** در شهر اردبیل برای درمان سیاه‌سرفه به طریق زیر عمل می‌کنند.
- بیمار را اگر کودک باشد به اجاق امام‌جمعه شهر برده، مقداری نیل روی مقبره می‌ریختند، سپس با خاک تربت مخلوط کرده بعد همراه با آن کام کودک را برداشته (مقداری به کام کودک می‌مالند) و کمی هم روی پیشانی و دست‌های کودک می‌بندند.
 - با پارچه‌ای به رنگ آبی دهان کودک را پاک کرده، سپس برای از بین بردن سیاه‌سرفه آن را در آب جاری روان می‌کنند.

- در بخش هیر در ایام گذشته، قبل از طلوع آفتاب، کودک را به صحرا برده و می‌گردانند تا نسیم ملایم سحری بر او خورده و بدین ترتیب بهبودی حاصل کند.
 - بستن مهرهٔ آبی‌گوی منجق (göy monjeg) به گردن کودک از دیگر شیوه‌های درمان سیاه‌سرفه است.
 - دعایی را که دکانویس بر تکه چوبی به نام قاباخ قلیان (gâbâx galyân) نوشته به گردن کودک می‌بستند.
 - در روستای شندرشامی هم برای درمان سیاه‌سرفه شیر خام گاو یا دم‌کرده کهلیک‌اتی را می‌خورند.

خروسک یا انیاغ اوسگورک (inâx ösgurak): در اردبیل برای درمان این بیماری مقداری لپه را خیس کرده و آب آن را به بیمار می‌دهند. یا آب مخزن قلیان را بعد از مصرف به کودک می‌خورانند.
 - در روستای قیه‌چمن با شیر گاو آش شیربرنج پخته و به مریض می‌دهند.
 - در روستاهای آت‌شگاه، شندرشامی، و گول‌تپه برای درمان خروسک از فرق سر بیمار خون می‌گرفتند، یا کمی گل‌محمدی را با شیر گاو جوشانده به مریض می‌خورانند یا نوشیدن شیر خام به بیمار در روستای شندیر شامی از دیگر روش‌های درمانی بود.
 - همچنین در روستای گل‌تپه برای درمان این بیماری برنج را خیس کرده و آب اولیه آن را به بیمار می‌خورانند، همچنین سیاهک گندم را با شیر گاو مخلوط کرده و به بیمار می‌دهند.

حصبه یا یاتالغ (yâtâlax): طبق دانش‌های عموم مردم بر اثر این بیماری فرد بی‌حال شده و با تبی شدید در بستر بیماری می‌افتد. در اثر شدت تب فرد شروع به گفتن هذیان کرده و حال خودش را نمی‌فهمد. همچنین در مدت بیماری موه‌های فرد شروع به ریزش می‌کند. معمولاً برای درمان بیماری حصبه به روش‌های زیر عمل می‌کردند:

- در اردبیل تعدادی کرم خاکی را له کرده و به بیمار می‌خورانند. همچنین ماش سبز را کوبیده، پس از گرفتن آب آن محتویات مربوط به بیمار می‌خورانند. علاوه بر آن آب عدس را به شکل خام یا پخته به او می‌دهند.

در روستای قیه‌چمن هم برای درمان بیماری حصبه به بیمار آش پونه (شامل پونه، برنج، پیاز، و عدس) یا آش پنیرک (شامل: پنیرک، پیاز، برنج) و اوماج آشی (omagasi) (شامل: آرد گندم، نمک، و آب) را می‌خورانند.

در روستای گل‌تپه بیمار را از خوردن ترشیجات و غذاهای پرچرب منع می‌کردند.
 در روستای شندرشامی هم بیمار را در پوست گرم حیوان تازه ذبح شده می‌خوابانند.

دندان‌درد را در شهر اردبیل بر روش‌های زیر درمان می‌کردند. پنبه را به کتیرای گون آغشته کرده و روی دندان آسبه کرده می‌گذاشتند.

- از ترکیب ماست و پونه کمی آرد خمیر تهیه کرده و بر دندان قرار می‌دهند.
 - سریش را بعد از تفت دادن خمیر کرده و در محل دندانی که پس از کشیدن آسبه داشته باشد قرار می‌دهند.

- دنبه گوسفند را داغ کرده سپس روی دندان‌های تازه کشیده شده و آبه داشته قرار می‌دادند، یا انجیر را با آب جوشانده و روی محل آبه قرار می‌دهند.
- در روستای آتشگاه هم برای درمان دندان درد گیاهی به نام هوجوا (havajuâ) را با مقداری کره جوشانده، بعد از آغشته کردن مقداری پنبه به آن روی دندان قرار می‌دادند. همچنین قرار دادن پوست انار یا چای خشک روی دندان از دیگر روش‌های درمان درد بود.
- در روستای گل تپه برای درمان دندان درد، مقداری نمک یا خاکستر را داغ کرده سپس داخل دستمالی ریخته و روی صورت می‌بستند. همچنین پنبه آغشته به پیه را در موضع می‌گذاشتند.
- در روستای قیه‌چمن نیز برای درمان درد دندان مقداری کنیرا یا نفتالین یا تریاک یا عطر و نمک روی دندان می‌گذاشتند.
- در روستای هیرم مقداری پونه را با آرد و آب پس از ترکیب به شکل خمیر تهیه کرده و از روی صورت بر محل درد دندان قرار می‌دهند. یا دارویی به نام یرخمیری (yer xamiri)، که شامل نمک، آرد، خاک و آب است، را روی زمین درست کرده از بیرون روی دندان می‌گذاشتند.

گل مژه، ایت دیرسیتی (it dirsayi): در اغلب مناطق حوزه پژوهش برای درمان گل مژه به چشم سایه می‌کشند تا چشمی که گل مژه دارد از حسودی دق کرده و بترکد. همچنین در شهر اردبیل چند دانه جو از داخل پهن اسب برداشته و می‌کوبند، سپس آب آن را به چشم مبتلا به گل مژه می‌مالند تا بهبودی حاصل شود. - در روستای شندیرشامی هم خمیری از ترکیب آرد و کره تهیه کرده و روی چشمی که گل مژه دارد می‌بندند.

گوش درد

- مقداری آب تریاک یا ویکس به پشت بناگوش می‌مالند.
- داخل گوش دود سیگار می‌دمند.
- کره گاو را در پوست پیاز جوشانده و داخل گوش می‌ریزند، یا پنبه‌ای را به روغن آغشته کرده و داخل گوش قرار می‌دهند.
- مقداری پیاز داغ ولرم شده را در گوش می‌ریزند. همچنین گیاهی به نام هوجوا را همراه با روغن جوشانده بعد از ولرم شدن به گوش می‌ریزند.
- مقداری پیه مرغ خانگی را ذوب کرده و داخل گوش می‌ریزند.

دل درد

- برای درمان دل دردی که ناشی از مزاج سرد باشد مقداری نبات و زنجبیل را با هم ترکیب کرده به شخص می‌دهند.
- برای درمان دل دردی که ناشی از یبوست باشد مقداری خاکشیر به بیمار می‌دهند.
- در دیگ سفالی را داغ کرده، در دستمالی پیچیده، و روی شکم می‌گذارند.
- گیاهی بنام کروله (karola) را خشک کرده، بعد از کوبیدن، (کپ) پودر کرده به بیمار می‌خورانند.

- دم کرده مستی از کهلیکاتی (مرزنگوش) یا پونه به بیمار می‌دهند.
- کیسه آب گرم یا کتری پر از آب نیم‌گرم را روی شکم قرار می‌دهند.
- مقداری زرد چوبه را با شیر گاو ترکیب کرده و به بیمار می‌خورانند.

یبوست

- مستی از گل‌های ختمی را دم کرده و به بیمار می‌خورانند.
- گوگرد کبریت را شیاف می‌کردند.
- دم کرده گیاه بومادران را به بیمار می‌خورانند.

سرماخوردگی

- برای درمان سرماخوردگی در شهر اردبیل به روش‌های زیر عمل می‌کردند.
- آش اسفناج شامل (عدس، اسفناج، گشنیز) یا اوماج‌آشی (آرد گندم، نمک، آب، کاکوتی، عدس، نخود) آش کلم (کلم قمری، عدس برنج، پیاز، اسفناج، گشنیز) را به بیمار می‌داند.
- بادکش انداختن از دیگر روش‌های معمول درمان سرماخوردگی است.
- در روستای هیر برای درمان سرماخوردگی به پشت بیمار کوپ (بادکش) می‌انداختند. همچنین آش پنیرک، شیر برنج یا دم کرده مستی از برگ‌های پونه را به بیمار می‌خورانند.
- در روستای گل‌تپه به بیمار دم کرده کاکوتی می‌خورانند و بیمار سر خود در مقابل بخور حاصل از آن می‌گیرد.
- در روستای شن‌دیر شامی هم از ناحیه آرنج بیمار اقدام به عمل فصد می‌کردند.
- در روستای قیه‌چمن مقداری از تره‌های گزنه (gazana) و برگ‌های گیجی تیکانی (giji tikani) و ایلیچه (ipliča) را داخل آش یا پلو بیمار می‌ریزند.
- در روستای آتسگاه برای بریدن تب ناشی از سرماخوردگی دانه‌های گیاه بیزشاه (bizošâ) (بارهنگ) و خاکشیر را با شیر گاو مخلوط کرده و به بیمار می‌خورانند.

یرقان یا سارلیخ (sârilix)

- بدون اطلاع فرد مریض، به او سیلی می‌زدند تا با ایجاد شوک بیماری از بدنش خارج شود.
- مهره زرد رنگی را داخل آب کرده سپس از همان آب به بیماری می‌خورانند.
- شکمبه گاو زرد رنگی را پخته و به بیمار می‌دادند.
- از دادن غذاهای پر چرب به بیمار خودداری می‌کردند.
- بیمار را به آبگرم سردابه می‌برند.
- ما بین کف‌ها را حجامت می‌کردند و یا تخم‌مرغ آب‌پز به مریض می‌خورانند.
- هسته زردآلوی تلخ به بیمار می‌خورانند.
- در روستای هیر بیمار باید برای درمان یرقان ماهی ریز و زنده‌ی جویباری ببلعد.
- در روستای قیه‌چمن هم برای درمان یرقان بیمار را از خوردن نمک، تخم‌مرغ، و روغن پرهیز می‌دهند.

- شاش بند در روستای آتشگاه برای درمان به شیوه‌های زیر عمل می‌کردند:
- گل محمدی را تفت داده سپس با ترکیب عسل به بیماری می‌خوراندند.
- پوست تخم‌مرغ را، که برای جوجه در آوردن زیر مرغ می‌گذارند، کوبیده سپس بیمار همراه غذا آن را میل کند.
- در روستای هیر به کمر بیمار کوپ بادکش می‌اندازند.
- در روستای قیه‌چمن جوشانده کاکوتی و پونه را به بیمار می‌خوراندند.

سرفه

- مقداری به‌دانه را خیس کرده و به بیمار می‌خوراندند.
- مقداری بی‌زوشاه (بارهنگ) و قارونی یرخ (gârni yarix) و بزرک سیاه را در آب جوش حل کرده و به فردی که سرفه داشته باشد می‌خوراندند.
- مستی دم‌کرده توک‌لیجه به بیمار می‌خوراندند.
- مقداری گل‌ختمی را با شیر گاو مخلوط کرده و به شخصی که سرفه داشته باشد می‌خوراندند.

اسهال در شهر اردبیل برای درمان اسهال به شیوه‌های زیر عمل می‌کردند:

- شخصی را به اجاق‌نیاز واقع در جنوب شرقی اردبیل می‌بردند و بندهای کودک شامل پیشانی، روی مچ دو دست، روی دو زانو، و روی پاها، پس گردن را می‌گرفتند. به گردن کودک نخ زرد و سفیدی از جنس پشم شتر می‌بستند و فردی که کار بند گرفتن را به عهده داشت از خاک امامزاده گل درست کرده و کام نوزاد را بر می‌داشت و به (عبارتی به کام نوزاد می‌مالید) سپس بندهای او را از ناحیه پیشانی، روی رست‌ها، پس گردن با گل می‌گرفت.
- دهان کودک را با پیش‌بند یا کلاه خودش تمیز می‌کردند، بعد آن را در یکی از روزهای شنبه یا چهارشنبه در گوشه‌ای از حیاط زیر سنگ قرار داده و با خود عهد می‌کردند که تا چهارشنبه هفته‌ای که در پیش است اگر کودک بهبود یابد، او را به اجاق‌نیاز ببرند. در صورتی که کودک بهبود می‌یافت او را به اجاق‌نیاز برده و بندهای وی را می‌گرفتند. همچنین کودک را به اجاق روستای سوما (sumâ) برده و اقدام به داغ‌درمانی می‌کردند. به این ترتیب که دو رشته پارچه را به هم گره زده و تاب می‌دادند. بعد گوشه‌ای از آن را به آتش چراغ گرفته و شعله‌ور می‌کردند، سپس بر رستگاه مو در پیشانی کودک می‌زدند.
- به بزرگسالان هم دم‌کرده ریشه‌گل محمدی یا چای خشک یا کاکوتی یا دارچین و زرد چوبه با شاخه نبات می‌دادند.

- اما در همه روستای بررسی شده برای درمان اسهال از روش‌های زیر بهره می‌برند:
- مستی از گیاه توله‌لجه، پونه، و کاکوتی را جوشانده و به بیمار می‌خوراندند.
- جوشانده پونه و شاخه نبات را به مریض می‌خوراندند.
- آش ماست و کته را همراه با سیر به مریض می‌خوراندند.

- در روستای جن قشلاقی برای درمان اسهال بیمار را در دستگاه‌های رزگه و صومعه داغ می‌کردند.
- سابقاً در روستای آتش‌گاه برای درمان اسهال به شخص بیمار گوشت خوک می‌خوراندند.
- کمی از برگ‌های پونه را جوشانده سپس با قند سوخته یا نبات و چای خشک مخلوط کرده و به کودک می‌خوراندند.

بند آوردن خونریزی بعد زایمان

- برای بند آوردن خونریزی زائو بعد از زایمان، زیر پاهای زائو آهک خیس می‌مالیدند.
- یک دست و یک پای زائو را با نخ‌کی که از موی بز تهیه شده بود می‌بستند.
- شربت گل سرشوی که شامل (گل و آب) بود به زائو می‌دادند.
- دادن گریپس قویماغی (karpis guymâyi)، کاجی آجر، به زائو از دیگر روش‌های درمان بود.

کرم روده یا انگل در شهر اردبیل برای درمان این بیماری به این شیوه عمل می‌کردند:
- به مقعد شخص مقداری نفت می‌مالیدند.

- تکه‌ای از سیر را بریده و در مقعد کودک شیاف می‌کردند.
- در روستای قیه‌چمن هم مقداری میرام نخودی (meyrâm noxodi) (مریم نخودی) را جوشانده و به بیمار می‌خوراندند.
- گیاهی بنام قوردشانی (qurd yošâni) را جوشانده از آب بیمار می‌خوراندند، همچنین با همین آب غذایی به نام خشیل تهیه کرده و به شخص می‌دادند.
- در روستای آتش‌گاه جوشانده مستی از گیاه بومادران را ناشتا به بیمار می‌خوراندند.

بواسیر یا باباسیر (bâbâsir)

- جوجه‌تیغی را سوزانده خاکسترش را بر موضع می‌مالیدند.
- آجر داغ کرده را روی مقعد می‌گذاشتند.
- پیه کوهان شتر را روی مقعد می‌مالند.
- سوزانده تریاک را به کوزه شکسته مالیده و با پنبه به موضع می‌مالیدند.
- مقداری مولکزراق (mulkazirâq)، هل، میخک و ازوای (azvây) را با زرده تخم‌مرغ مخلوط کرده گلوله‌های ریز (حب) مانند در آورده، سپس هر شب سه یا چهار عدد از آن را می‌خورند.
- خارپشت را سوزانده و دود آن را به موضع می‌دادند، سپس از خاکستر باقیمانده مقداری هم بر موضع می‌مالیدند.
- خاکستر زاج را داخل پارچه ریخته و فرد روی آن می‌نشست.
- مستی از گل‌های گیاه پیتی (pinti) را دم کرده و به بیمار می‌خوراندند، یا با آب همین گل شخص طهارت می‌کرد.

خواص درمانی آبهای گرم شهر سرعین

آب گرم گاومیش گلی دارای حرارت ۴۶ درجه سانتی گراد بوده و حرارت آن به ۱۸ درجه سانتی گراد هم می‌رسد. استحمام در این آب آرامبخش بوده و دردهای رماتیسمی و عصبی را تسکین می‌دهد.

آب گرم ساری سو آب گرمی است با حرارت حدود ۳۷ درجه سانتی گراد که حرارت محیط آن به ۱۸ درجه سانتی گراد می‌رسد. استحمام در این آب آرامبخش بوده و دردهای رماتیسمی و عصبی را تسکین می‌دهد.

آب گرم قره‌سو حرارت ۳۷ درجه سانتی گراد داشته که حرارت آن به ۱۸ درجه سانتی گراد می‌رسد. استحمام در آن آرامبخش بود و دردهای رماتیسمی - کمردرد - عصبی را تسکین می‌دهد.

آب گرم پهنلو (pehenlu): پهنلو حرارت ۳۵ درجه سانتی گراد داشته و ۱۸ سانتی گراد هم می‌رسد. استحمام در این آب آرامبخش بوده، دردهای رماتیسمی - کمردرد - عصبی و پا درد را تسکین می‌دهد. ضمناً برای جلوگیری از ریزش مو است بسیار مناسب است.

آب گرم ژنرال آب گرم ژنرال حرارت ۴۲ درجه سانتی گراد داشته و ۱۸ درجه سانتی گراد هم می‌رسد. استحمام در این آب آرام بخش است، دردهای عصبی - مفصلی و کمر درد را تسکین می‌دهد.

آب گرم قهوه‌سویی حدود ۳۵ درجه سانتی گراد حرارت دارد و حرارت محیط آن به ۱۸ درجه سانتی گراد می‌رسد. استحمام در این آب آرامبخش بود دردهای رماتیسمی - مفصلی و کمردرد را تسکین می‌دهد.

آب گرم قهوه چشم آب گرمی است با حرارتی در حدود ۳۵ درجه سانتی گراد که حرارت محیط آن به ۱۸ درجه سانتی گراد می‌رسد. استحمام در آن آرامبخش و دردهای رماتیسمی، مفصلی و کمردرد را تسکین می‌دهد. کنار آن آب گرمی وجود دارد کوچک چشم). شست‌وشوی چشم در آن اثرات و مطلوب داشته و بر بینایی چشم می‌افزاید.

ویله درق درسه کیلومتری شمال سرعین واقع شده و چشمه آب معدنی سرد و گازداری دارد. آب این چشمه شبیه آب چشمه گاشاشاویان فرانسه بوده و خواص درمانی آن به شرح زیر است:
- اثر بر روی کلیه‌ها: مصرف این نوع آب باعث ازدیاد ادرار و دفع مواد گوناگون از راه دستگاه ادراری می‌شود. پایین بودن میزان املاح موجود در آب باعث قدرت دفع بیشتر مواد زاید می‌شود.

- اثر بر دستگاه تغذیه‌ای و کبد: جذب این آب‌ها در دستگاه گوارش سریع بوده و حرکات دودی روده‌ها را کم می‌کند. به مقدار کم مصرف این نوع آب‌ها صفراور بوده و طی درمان با آن باعث کاهش بیلی‌روبین و سایر املاح صفراوی در خون می‌شود.

- اثر بر روی بافت‌ها: این‌گونه آب‌ها باعث تورم آرام بافت‌ها شده و اثر داخلی آن تعویض آب درون سلولی و در نتیجه دفع مواد سمی است.

- اثر بر روی مجاری ادراری: مصرف این آب باعث ازدیاد انقباض‌های ادراری و در نتیجه ازدیاد ادرار

می‌شود. این اثر در مورد این‌گونه آب‌ها ممکن است به ۱۰ میلی‌لیتر در دقیقه رسیده و به همین اندازه هم انقباض‌های مجاری ادراری ۱۰ تا ۱۵ انقباض در دقیقه افزایش می‌یابد، که میزان طبیعی آن‌ها ۱ تا ۳ بار است.

در روش‌های درمان می‌توان به جز آشامیدن از طریق دیگر نیز از این آب استفاده کرد. موارد تجویز آن در بیماری‌های سنگ‌های مجاری ادراری از دیاد مواد ازته، نقرس، درد مفصل، حالات تشنجی، چاقی، و تورم کبد توصیه می‌شود.^۱

سستی کمر مردان

برای درمان سستی کمر مردان مقداری سقز را بعد از حرارت روی پارچه کشیده و به کمر شخص می‌چسبانند. همچنین خوردن مقداری عسل همراه با دارچین برای تقویت سستی کمر مردان مفید است. نوشیدن دم‌کرده مقداری دارچین برای درمان سستی کمر مردان نیز سومند است.

نازایی در شهر اردبیل برای درمان نازایی به روش‌های زیر عمل می‌کردند:

- زن نازا پیه را داغ کرده از راه آلت تناسلی شیاف می‌کرد.
- گل بینتی، پونه، و کاکوتی را دم‌کرده برای خوردن به زن نازا می‌دهند. همچنین بخور گیاهان مذکور یا شست‌وشوی واژن را با این داروها مفید می‌دانند.
- برای تقویت رحم خرما را از راه آلت تناسلی شیاف می‌کنند، یا مقداری روغن کرچک به مقعد می‌مالند.

تعیین جنسیت جنین اهالی شهر اردبیل جنسیت جنین را به شکل‌های زیر مشخص می‌کنند:

- درد زایمان جنین پسر دو بار پشت سر هم و یک بار با کمی فاصله رخ می‌دهد، اما درد زایمان جنین دختر پشت سر هم و باشدت است.
- اگر نوک سینه باردار قهوه‌ای پررنگ باشد جنین را دختر و اگر کم‌رنگ باشد پسر می‌دانند.
- اگر شکم زن حامله در پهلو پر باشد جنین را پسر و اگر در جلو و زیر ناف قرار گیرد، جنین را دختر می‌دانند.
- با باز کردن کله گوسفند هم تعیین جنسیت می‌کنند به این ترتیب که پس از نصف کردن کله، اگر بناگوش سر گوشتی باشد جنین را دختر اما اگر لخت باشد جنین را پسر می‌دانند.
- بدون توجه زن حامله مقداری نمک بر سر می‌ریزند، اگر دست را بالای لب خود کشید، جنین پسر و اگر به سر و صورت خود بکشد آن را دختر می‌دانند.
- زن حامله‌ای که رنگ چشمانش روشن باشد نشانه داشتن جنین پسر است. اما اگر زنگ چهره زن حامله برنزی باشد نشانه جنین دختر در شکم مادر است.

۱. منابع: تحقیقات میدانی و بروشور روابط عمومی شهرداری شهر سرعین در زمینه آب معدنی این بخش.

حجامت کردن معمولاً عمل حجامت در اواخر اسفند ماه و اوایل فصل بهار انجام می‌گرفت. برای این منظور اغلب ما بین دو کتف، یا پیشانی و کمر را با شاخ گاو مکیده و خون را به سطح بدن منتقل می‌کردند، سپس با تیغی دلاکی چند شکاف عمود و جزیی می‌داند، تا به این ترتیب خون اضافی و کثیف بدن و به اصلاح (پیس) را به بیرون انتقال دهند. معمولاً این شیوه درمانی تا اواخر تابستان طی سه نوبت برای درمان سرماخوردگی، کهیر، گلو درد، و کمر هم انجام می‌گرفت.

بادکش انداختن معمول در شهر اردبیل و روستای گول تپه برای درمان دردهای رماتیسمی اقدام به کوپ انداختن (بادکش) می‌کنند. برای این منظور ابتدا پوست کمر را دو انگشت بالا کشیده، سپس با ظرف کوچک سفالی اقدام به کوپ انداختن می‌کنند. شیوه کوپ‌اندازی بدین شکل است که ابتدا مقداری خمیر تهیه کرده و محل مورد نظر قرار می‌دهند، سپس داخل تکه‌ای پارچه مقداری نفت آغشته کرده آتش می‌زنند. پس از شعله‌ور شدن کهنه آن را داخل (کوپ) انداخته سپس به شکل وارونه روی خمیر قرار می‌دهند. همچنین در شهر اردبیل مقداری سقر را ذوب کرده، پس از اینکه روی پارچه کشیدند بر روی کمر می‌چسبانند.

زالواندازی معمولاً اهالی شهر اردبیل و روستاهای شندیرشامی و هیر در فصل بهار برای از بین بردن جوش‌های صورت، دمبر و نوعی بیماری پوستی گلودرد، بادهای بدن، سیاه‌زخم، خون کثیف، دمل و کهیر بدن اقدام به زالواندازی می‌کردند. برای این کار زالو را داخل استکانی انداخته سپس فرد آن را در محل مناسبی از بدن قرار می‌داد. در نتیجه زالو خود نقطه‌ای از صورت یا بدن را پیدا کرده و اقدام به مکیدن خون می‌کند. با اتمام عمل مکش خون (پر شدن محکم زالو از خون) زالو خودبه‌خود از پوست بدن جدا می‌شود.

خال کوبی عموماً بعضی از زنان در سطح شهر اردبیل و روستاهای قیه‌چمن و گول تپه خال کوبی را برای زیبایی انجام می‌دادند و جنبه درمانی خاص برای آن ذکر نشده است.

گزیدگی‌ها در روستاهای قیه‌چمن و گول تپه برای درمان گزیدگی عقرب و زنبور شیوه‌های درمانی زیر را انجام می‌دانند:

- عموماً در روستای قیه چمن بالاتر از محل گزیدگی را محکم بسته، مقداری قند خیس و بر محل گزیدگی می‌بستند. یا مقداری نمک بر محل گزیدگی می‌پاشند. ضمناً باور دارند که اگر عضو گزیده شده را رو به قبرستان، یا ماه. کوه سیلان نگه دارند موجب بهبودی خواهد شد.
- در روستای گول تپه هم مقداری ماست یا ترکیب ماست و قند را به محل گزیدگی می‌مالند.

سوختگی را در نقاط بررسی شده معمولاً به این شرح درمان می‌کنند مقداری کره حیوانی یا آب‌نمک روی سوختگی می‌مالند.

- کمی سیب‌زمینی رنده‌شده بر موضع گذاشته، یا مقداری روغن گرچک (ganagarçak) می‌مالیند.
برای درمان چرک ناشی از سوختگی هم مرهمی به نام مومورگان (mumurgâm) تهیه کرده و بر

موضع قرار می‌دهند، ترکیبات مرهم عبارت بود از: مقداری موم عسل، سقز، کره حیوانی و زردچوبه، که همه را با هم جوشانده، سپس زرده تخم‌مرغ محلی را با آن مخلوط کرده و بر موضع قرار می‌دادند.

- پیه گاو را ولرم کرده بعد از مالیدن به پارچه‌ای به نام گانوز (gânöz) روی موضع سوخته شده قرار می‌دهند. در صورت تورم و التهاب عضو خوراک بدون نمکی به نام (حورای)، که شامل آب و آرد است، تهیه کرده و پس از اینکه روی پارچه کشیدند بر موضع قرار می‌دهند.

- برگ‌های گیاهی به نام هوجوا را با کره گاو جوشانده، سپس روی موضع سوخته شده می‌بندند.

- خاکستر پشم سوزانده شده را با کره ترکیب کرده و روی سوختگی می‌مالند.

زردچوبه را با سقز ترکیب کرده و بر محل سوختگی قرار می‌دهند.

مقداری پونه، آرد و ماست را با هم ترکیب کرده و سوختگی می‌مالند.

زرده تخم‌مرغ را با کمی کره حیوانی و زردچوبه ترکیب کرده و بر روی سوختگی می‌مالند.

گیاهی به نام باغایارپاگی (bâgayârpâyi) را تازه یا پودر شده روی محل سوخته شده قرار می‌دهند.

- روغن حیوانی و پوره خام را با هم ترکیب کرده و روی محل سوخته شده قرار می‌دهند.

برای درمان سوختگی سطحی، مقداری پوره سیب‌زمینی خام روی موضع قرار می‌دهند، یا روغن‌هایی: نباتی، ماهی، زیتون، و کرچک بر محل سوخته شده می‌مالند.

دمبرو (damiro): نوعی بیماری قارچی پوستی است که در مراحل اولیه عضو قرمز شده، سپس به خارش می‌افتد. در نتیجه این عمل پوست ترک برداشته و خون‌آبه‌ای از آن تولید می‌شود که نهایتاً تبدیل به زخم می‌شود. در اغلب این مناطق برای درمان به شیوه‌های زیر عمل می‌کردند.

- تار عنکبوت را با کره حیوانی مخلوط کرده و روی محل قرار می‌دادند.

- مقداری پیاز پخته بر موضع گذاشته یا روغن گیاهی به نام گیلدیک (gildik) می‌مالند.

- مقداری زاج را با کمی حنا و دوده ته‌دیگ مخلوط کرده و روی موضع می‌مالیدند.

مقداری کشمش را به دوده روی درهای چوبی تنورخانه مالیده سپس بر روی موضع می‌زدند.

سرخک یا قزلجا (gzilijâ) کلاً در نقاط حوزه پژوهش برای درمان کودکی که سرخک گرفته بود، وی را در پارچه سرخ‌رنگی پیچیده و از ورود افرادی که بر آن‌ها غسل واجب بود، به اتاق بیمار جلوگیری می‌کردند.

معمول بود که در شهر اردبیل سه تخم‌مرغ و چهل دانه جو را داخل کاسه آبی ریخته و بالای سر کودک نگه می‌داشتند. اگر در این موقع چشم فرد بدنظری به کودک برسد، تخم‌مرغ ترکیده و به این ترتیب بیمار بهبودی می‌یافت. همچنین هر روز دو الی سه بار مقداری از همان آب را بروی پارچه‌ای که روی کودک کشیده‌اند می‌پاشیدند که در اصلاح محلی قرحلاما (gerhlâmâ) گویند. یا سکه پولی را سوراخ کرده و نخ‌ی را از آن عبور می‌دهند، سپس مهرهای را که به گوزمونجوقی (goz munjegi) معروف است از نخ سکه عبور داده و با سنجاقی در قسمت پیشانی کودک ته روسری یا کلاه او می‌بستند تا صدقه‌ای برای چشمان کودک بوده باشد، بعد از اتمام دوران بیماری و بهبودی کودک همان پول را به اضافه مبالغی دیگر به فرد فقیر و مستحق می‌دادند.

در روستای آتش‌گاه هم برای درمان نوزادان مبتلا به سرخک مقداری ماش سبز کوبیده و داخل آب می‌ریزند، سپس آن را از صافی عبور داده و آب به دست آمده را به کودک می‌خورانند. حال اگر کودک کمی بزرگ بوده و قادر به خوردن غذا باشد برای درمان وی آش ماش تهیه می‌کنند. از روش‌های دیگر درمان بیماری سرخک قرار دادن بیمار در داخل پوست بزغاله و یا پوشیدن پوشاکی با رنگ سرخ به وی است.

آبله یا چیچک (cicak) بیماری است که اغلب با تب و لرز و سر درد شروع می‌شود. در این بیماری روی پوست بدن بیمار لکه‌های قرمز رنگی بروز می‌کند، که طی چند روز آبکی شده و محتوی چرک می‌شوند. پس از یکی دو روز محل چرک‌ها خشک شده و می‌افتد. کار آبله‌کوبی را تا چندی پیش زنان دوره‌گردی به نام چیچک‌دوین (čičak doyen) انجام می‌دادند. پوشاندن لباس قرمز بیمار، گذاشتن مقداری آب در کنار پای بیمار یا تخم‌مرغی در زیر سر او از دیگر روش‌های درمان این بیمار هستند.

دمل (جیبان cibān): برای درمان دمل در روستاهای حوزه پژوهش از مرهمی به نام زومات (zumat) استفاده می‌کردند. برای این منظور بزرک خام را همراه با کمی شیر کوبیده روی موضع قرار می‌دادند. یا مقداری صابون رنده‌شده را با زومات ترکیب کرده و روی دمل قرار می‌دهند. - قرار دادن پیاز کباب‌شده بر دمل یا مالیدن مقداری گریس از دیگر روش‌های درمان است. همچنین مقداری بزرک سرخ را بعد از کوبیدن با آب پونه جوشانده سپس و مرهم را روی دمل می‌گذاشتند. - برگ آفتابگردان را با مقداری قند و آب دهان و آرد کرده: پس از اینکه به شکل خمیر درآوردند روی دمل قرار می‌دادند.

زگیل

- در شهر اردبیل برای درمان زگیل، شخص را پیش دعانویس یا سیدی برده و او دعایی را به تعداد سه بار در روز دوشنبه و یک بار روز چهارشنبه و مجدداً دو بار روز چهارشنبه و یک بار روز شنبه روی زگیل خوانده و فوت می‌کرد. همچنین بنا به باوری که داشتند اگر بدون اطلاع صاحب‌خانه‌ای مقداری از گوشت منزل آن‌ها را برداشته و در کنار دیواری چال کنند، با پوسیده شدن گوشت، زگیل هم خودبه‌خود می‌پوسد. همین روش نیز در روستای شندیرشامی با خواندن دعایی بر زگیل نیز انجام می‌شد. در روستای گول‌تپه هم دعایی را به مقداری نمک خوانده بر زگیل می‌پاشیدند. - در قیه‌چمن پوست مار را سوزانده، خاکسترش را روی زگیل می‌پاشند. - همچنین در روستای آتش‌گاه سیب‌زمینی را پوست گرفته و پس از اینکه روی زگیل مالیدند پوست سیب‌زمینی را در چاه مستراح می‌اندازند. بنا به باور مردم این روستا اگر به مقداری جو یا گوشت دعایی خوانده و همراه با جگر سفید در جای سبزینه‌ای چال کنند منجر به پوسیده شدن زگیل می‌شود.

میخچه یا میخچا (mixčâ)

- روی میخچه را با آتش سیگار داغ زده، سپس خود میخچه را از ریشه در می آورند. یا همین عمل را با فلز داغ شده انجام می دهند.

- در روستای قیه چمن هم جوجه تیغی را سوزانده و خاکسترش را روی میخچه می ریزند.
زرد زخم یا ساری یارا (sâriyârâ): معمولاً مقداری پیاز داغ تهیه کرده و روی زخم می بندند. در روستای قیه چمن مقداری زاج را با دوده ته دیگ ترکیب کرده و روی زخم قرار می دهند. مقداری زاج حنا و جیوه را با هم کوبیده سپس روی زخم می بستند یا مقداری پوست هندوانه را با شیر گاو ترکیب کرده سپس روی زخم می مالند.

مخملک یا مخیره (maxmirah):

- مقداری خاکشیر را همانند اسپند دود کرده و شخص را در معرض دود آن قرار می دهند.
- مقداری شربت خاکشیر به بیمار می خوراندند.
- اگر طلایی را که صاحبش فوت کرده به داخل آب انداخته سپس با آن آب کودک را شست و شو دهند بهبودی حاصل می شود.
- در شهر اردبیل مقداری گشنیز را کوبیده و بر بدن کودک می مالند.

جراحات

بریدگی ها مقداری آرد را با کره طبیعی ترکیب کرده و بر بریدگی می گذارند. یا مقداری خاکستر پارچه نخی سوخته شده روی بریدگی می ریزند. این نوع درمان را در روستای آتش گاه با ترکیب مقداری روغن حیوانی به کار می برند.

- مقداری از برگ های گیاه تازه یا خشک شده قان قوروردان (qânqurudân) را له کرده یا پودر بر بریدگی قرار می دهند.

- همچنین در روستای آتشگاه مقداری از برگ های گیاهی به نام قلج اُتی (qlij oti) را کوبیده و بر محل بریده شده می گذارند. در گول تپه و شندیرشامی هم مقداری خاکستر پارچه سوخته شده را بر زخم پاشیده سپس کمی نفت روی آن می ریختند. از دیگر شیوه های معمول برای جلوگیری از خونریزی قرار دادن مقداری یونجه سیاه (یونجه وحشی) له شده روی موضع است.

شکسته بندی

کوفتگی ها در صورتی که عضو بدن شخصی در اثر ضربه به حالت کوفتگی در آمد باشد معمول ترین و بهترین درمان بستن مقداری گوشت تازه و یا ترکیب زرده تخم مرغ به همراه کمی نمک برای مدت دو الی سه روز است.

دررفتگی‌ها

جا انداختن دررفتگی ناحیه **مج پا** دررفتگی این قسمت از بدن معمولاً به دو شکل اتفاق می‌افتد.

دررفتگی قوزک پا.

دررفتگی بندهای روی پا.

برای جا انداختن قوزک پا ابتدا شکسته‌بند عضو را بررسی کرده، پس از حصول اطمینان با آب ولرم و مالش دست شروع به نرم کردن عضو می‌کند، آن‌گاه عضو در رفته را به جلو می‌کشند. در صورتی که بندهای روی پا دررفتگی داشته باشند، معمولاً چاله‌ای روی زمین کنده، سپس پای مصدوم را روی چاله قرار می‌دهد بعد شکسته‌بند پای خود را روی پای مصدوم می‌گذارد، آن‌گاه (مصدوم) را به پشت گرفته و بلند می‌کند.

جا انداختن **شانه** در صورت دررفتگی شانه شخص مصدوم همیشه خود را به یک سمت سمتی که سالم است خم می‌کند، ولی برای اینکه شکسته‌بند از موضوع مطمئن شود، از مصدوم می‌خواهد دست‌های خود را روی سر بگذارد. در صورتی که مصدوم موفق به این عمل شود نشانه عدم دررفتگی شانه بوده شکسته‌بند در می‌یابد که عضو ترک‌خورده پیدا کرده است، اما برای جا انداختن شانه به نیروی دو نفر نیاز است. بعد از اینکه شکسته‌بند عضو را به آرامی مالش داد، شانه را در صورتی که به زیر بغل دررفتگی داشته باشد به آرامی به سوی بالا و جای اصلی خود می‌کشد.

دررفتگی کشکک زانو پس از معاینه عضو، بدین منظور که کشکک به سمت پایین حرکت کرده یا بالا، شکسته‌بند عضو را آرام و آهسته به پس و پیش حرکت داده بعد با کمی فشار در جهت مخالف، کشکک را به جای اصلی هدایت می‌کند.

ترک خوردگی دنده‌ها ابتدا شکسته‌بند برای تشخیص قطعی، یک یک دنده‌ها را بررسی و معاینه می‌کند. از علائم نشانه‌های ترک خوردگی یا فرورفتگی دنده‌ها به داخل ریه‌ها تنفس مشکل و سرفه در فرد مصدوم است. با این حال اگر عضو ترک‌خورده داشته باشد، مقداری سقر را در مقابل حرارت نرم کرده و بر پارچه سفید و تمیزی کشیده، سپس بر عضو می‌بندند. در صورتی که عضو در حال بهبودی باشد، خود سقر به خودی خود از بدن جدا می‌شود. یا به جای سقر می‌توان از مشمع (چسب‌های طبی) هم استفاده کرد. در صورتی که دنده‌ها به ریه‌ها فرو رفته باشند علاوه بر این کار مصدوم موظف است هر روز چندین بار به داخل کوزه‌ای بدمد.

- در بعضی از مواقع هم می‌توان برای درمان ترک خوردگی‌ها از داروی ترکیبی زیر استفاده کرد.

- زرده تخم‌مرغ را همراه با کمی عسل و آرد و گیاهی به نام بویاخ (boyâx) ترکیب کرده پس از اینکه روی پارچه‌ی تمیز کشیدند روی عضو می‌بندند یا زرده تخم‌مرغ را با آرد و کمی قند ترکیب کرده و استفاده می‌کنند.

شکستگی‌ها

عموماً شکستگی‌ها به دو دسته باز و بسته تقسیم می‌شوند. در صورتی که شکستگی از نوع بسته باشد، استخوان از گوشت عضو بیرون نمی‌زند. در این صورت شکسته‌بند با تشخیص محل شکستگی خصوصاً با بررسی و دیدن عکس رادیولوژی مصدوم، نحوه شکستگی را تشخیص داده، سپس به جابه‌جا و مماس کردن دو عضو جدا شده از یکدیگر اقدام می‌کند.

در صورتی که شکستگی از نوع باز بوده و استخوان از گوشت بیرون زده باشد، ابتدا استخوان‌ها را در جهت مخالف هم کشیده و به‌آرامی آن را از بیرون گوشت به داخل هدایت می‌کند. سپس مقدمات بستن را فراهم می‌کنند.

عموماً برای بستن هر دو نوع شکستگی به یک روش عمل می‌شود. ابتدا عضو را با مرهمی که از زرده تخم‌مرغ، عسل، آرد و کمی بویاخ ترکیب یافته با کشیدن روی تیزی می‌بندند، سپس دو عضو را با گذاشتن روکشی از ورقه‌های نازک سه لای کارتن ثابت کرده و برای مدت حدود یک ماه باید بی‌حرکت باشد. طی این مدت مصدوم دو بار برای بازبینی پیش شکسته‌بند مراجعه می‌کند.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی